

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

مراحل سکولاریسم و معانی آن از منظر چارلز تیلور

۱. تهی‌شدگی فضاهای عمومی از دین و مفهوم خداوند؛ یعنی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی هیچ ارجاعی به باور مذهبی و خداوند صورت نمی‌گیرد. مبنای عمل در هر عرصه، عقلانیت موجود در همان عرصه است. در این مرحله، سکولاریسم لزوماً منجر به حذف دین نمی‌شود.

۲. کاهش هر نوعی از سلوک مذهبی و باور مذهبی؛ در این معنا مردم با دین و سلوک مذهبی قهر می‌کنند و شاهد سکولاریسمی از نوع الحاد هستیم.

۳. تبدیل شدن باور به خداوند به گزینه‌ای در میان هزاران گزینه دیگر؛ گاهی در شرایطی، گزینه‌های در دسترس برای دین داری یا بی‌دینی محدود است و رقبات زیادی وجود ندارد اما طبق این معنا شاهد شرایطی هستیم که رقبات بسیار زیادی برای دین پدید آمده‌اند. نفس شلوغی و ازدحام برآمده از تکثر گزینه‌ها، شما را به لحاظ روانی در وضعیت عدم استقرار قرار می‌دهد. یعنی شما به لحاظ ایمانی نمی‌توانید استقرار پیدا کنید زیرا پیرامون شما شلوغ شده است و دائماً استدلال‌هایی له و علیه باورهای دینی مطرح می‌شود که شما اولاً فرصت و توان پردازش تمام آنها را ندارید و ثانیاً به لحاظ روانی هر گزینه جدیدی برای شما، مقداری در ایمانتان سوال ایجاد می‌کند، آشکار باشد یا ذهنی. حال هرچه این گزینه‌ها متنوع شود، به حاشیه رانده شدن دین بیشتر می‌شود.

تیلور معنای سوم از سکولاریسم را درباره جامعه آمریکا تحقق یافته می‌داند اما درباره جوامع اسلامی عقیده دارد که چنین وضعیتی وجود ندارد یا هنوز به وجود نیامده است. یعنی در جوامع اسلامی هنوز رقبات معنوی و فکری و فلسفی‌ای به وجود نیامده است که بتوانند شرایطی متنوع و متکثر ایجاد کنند تا سبب تاخت و تاز علیه دین شده و آنرا به حاشیه برانند.

پیچیدگی ایمانی در ایران فرهنگی، سپری تاریخی در برابر سکولاریسم

انباشت تاریخی سکولاریسم در غرب:

جامعه مدرنی مثل اروپا و آمریکا به لحاظ تاریخی و نظری، در فضای انباشته شده‌ای از سکولاریسم قرار دارند. یعنی نوعی از تراکم فرهنگ سکولار آنجا دیده می‌شود که حالا حالاها امکان بازگشت دین به زندگی برایشان فراهم نمی‌شود. وضعیت سکولار در غرب از دوران یونان باستان آغاز شد، در آتن عصر پریکلز خودش را بیشتر آشکار ساخت، در دوره امپراتوری روم باستان ادامه یافت و حتی در قرون وسطی، فضای فرهنگی سکولار امپراتوری روم بر اروپا حاکم بود و در دوران مدرن و اصلاحات دینی و انقلاب‌های بعدی



همچنان امر سکولار غلبه داشت. به همین جهت است که برخی سکولارشدگی را ذاتی غرب می‌دانند چراکه آنرا در تاریخ بلندمدتی از مغرب زمین مشاهده می‌کنند.

در نشر و نوآوری نگاه

پیشگامان آینده

▼ انباشت تاریخی دین و باور مذهبی در ایران و جوامع مسلمان:

در مقابل اما اگر جوامع اسلامی و حتی جوامع دیگر را کم و بیش بررسی کنید و به پس تاریخ آنها بروید، خواهید دید که نوعی از انباشت دین‌داری و باورهای مذهبی وجود دارد که امکان سکولارشدگی را دست کم به معنای سومش برای ما ایرانیان و مسلمانان ناممکن می‌سازد. بنابراین ما در سرزمین، تاریخ و موقعیتی قرار داریم که به لحاظ فرهنگی، نظری و تاریخی، در یک پیچیدگی ایمانی قرار گرفته ایم. این پیچیدگی ایمانی، مسیر سکولارشدگی را برای ما دشوار می‌سازد و به آسانی نمی‌توانیم به سمت سکولارشدگی سر بخوریم.

به همین جهت است که نباید مراتب ایمانی‌ای که علامه طباطبایی در المیزان یا خواجه نصیر در اوصاف الاشراف مطرح می‌کنند را مراتبی صرفاً آموزه‌ای دانست و دقت در آن است که علاوه بر آن، مراتب مذکور را مرتبه‌های فرهنگی ایمان نیز بدانیم؛ یعنی اگر بخواهید جامعه شناسی ایمان را در گذشته تاریخی ایران بررسی کنید، به گونه‌هایی از ایمان و با درهم تنیدگی‌های ایمانی‌ای مواجه می‌شوید که خواهید دید این شبکه ایمانی شکل گرفته در گذشته ما، امکان به محاق و حاشیه رفتن دین را سخت کرده و در حال مقاومت در برابر سکولاریزاسیون است.